

ابهام غرب و موج اصلاحات در جهان اسلام

چگونه غرب می تواند از اصلاحات در جهان اسلام حمایت کند؟

چریل بنارد*

ترجمه: وحید وحیدی مطلق

می ماند و عمداً یا به دلیل عدم آگاهی از دکترین سنتی اسلام، آزادی‌های بسیاری برای خود قائل است. القاعده و طالبان به این زیرگروه تعلق دارند.

سنت‌گرایان خواهان جامعه‌ای محافظه‌کارند و نسبت به تعدد، نوآوری و تغییر بدگمان هستند. این گروه نیز به دو زیرگروه تقسیم می‌شود: "سنت‌گرایان محافظه‌کار" که معتقدند باید به‌دقت و کاملاً از شریعت و سنت پیروی کرد. آنها یکی از نقش‌های دولت و مقامات سیاسی را حمایت از تحقق چنین خواسته‌ای یا حداقل تسهیل آن می‌دانند. اما به‌طور کلی از اعمال خشونت و تروریسم طرفداری نمی‌کنند. بیشتر فعالیت‌های آنها بر کارهای روزمره جامعه متمرکز است. هدف اصلی آنها حفظ و پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و رفتار محافظه‌کارانه تا بیشترین حد ممکن است. وجهه این افراد مخالفت با هرگونه تغییر است و در نظرشان وسوسه‌ها و آهنگ زندگی مدرن تهدیدهای بزرگی به‌شمار می‌روند.

"سنت‌گرایان اصلاح‌طلب" نیز معتقدند به‌منظور حفظ بقا و جذابیت اسلام در طی زمان، باید برخی تغییرات را در نحوه اعمال سنت پذیرفت. آنها آماده بحث درباره اصلاح و تفسیر مجدد قوانین اسلامی هستند. وجهه این افراد موافقت محتاطانه با تغییر است و می‌کوشند برای حفظ روح قوانین اسلام، درباره نص قوانین از خود انعطاف‌پذیری نشان دهند.

تجددگرایان خواهان پیوستن جهان اسلام به جهان مدرن هستند. آنها می‌کوشند با انجام اصلاحاتی اسلام را با عصر مدرن منطبق کنند و به‌صورت فعالانه در جست‌وجوی بیشترین تغییرات ممکن در درک نظری و عمل به اسلام هستند. به‌نظر آنها باید همه سنت‌های محلی و منطقه‌ای را که طی قرن‌های متمادی با اسلام آمیخته شده‌اند دور ریخت.

علاوه بر این، تجددگرایان معتقد به سیر تاریخی قوانین اسلام هستند. یعنی اینکه آنچه در زمان زندگی پیامبر به آن عمل می‌شد ترکیبی بود از حقایق دینی ابدی و نیز شرایط تاریخی مختص آن زمان که امروزه دیگر اعتبار ندارد. این افراد معتقدند که حتی تغییرات قابل ملاحظه و چشمگیر در دین اسلام، که منعکس‌کننده گذشت قرن‌ها و شرایط اجتماعی کنونی است، نه تنها به هسته اصلی اسلام آسیب نمی‌رساند، بلکه آن را تقویت می‌کند. ارزش‌های اساسی این گروه یعنی اهمیت وجدان فردی و مسوولیت‌پذیری اجتماعی، عدالت و آزادی به‌راحتی بر هنجارهای مردم‌سالارانه و مدرن غرب انطباق می‌یابند.

عرفی‌گرایان (سکولارها) خواهان جدایی دین از سیاست به سبک نظام‌های مردم‌سالار غربی هستند و اعتقاد دارند که مذهب یک موضوع کاملاً شخصی است. آنها همچنین معتقدند آداب و رسوم اسلامی باید با قوانین "این جهانی" و حقوق بشر منطبق باشند. به‌عنوان مثال کشور ترکیه که در آن مذهب تحت کنترل شدید دولت قرار دارد، معرف یک مدل سکولار در جهان اسلام است.

امروزه تفسیرهای مختلف از اسلام، برای کسب تسلط معنوی و سیاسی یکدیگر در حال رقابتند. نتیجه نهایی این رقابت پیامدهای مهمی برای جهان غرب خواهد داشت. رهبران غرب می‌توانند از طریق درک کشمکش مستمر ایدئولوژیک در جهان اسلام و تمایز قائل شدن بین جریان‌های فکری رقیب، بدیل‌های مناسب مسلمانی را شناسایی کنند. به‌این‌ترتیب فرصت مبارزه با افراطی‌گری و خشونت‌طلبی و نیز حمایت از مردم‌سالاری و توسعه فراهم می‌آید.

لزوم حمایت از نسخه معتدل و مردم‌سالارانه اسلام ظرف چند دهه گذشته روشن شده بود، اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر اهمیت چنین حمایتی بیش از پیش شده است و افراد زیادی بر این باورند که چنین رویکردی سازنده خواهد بود. دین اسلام همچون هر دین دیگر، الهام‌بخش ایدئولوژی‌ها و اقدامات سیاسی گوناگونی است که البته برخی از آنها برای پایداری جهانی مضر هستند. بنابراین حمایت و پشتیبانی از آن دسته جریان‌های فکری اسلامی که خواستار اعتدال، مردم‌سالاری، صلح، آرامش و نظم اجتماعی توأم با تسامح و تساهل هستند، عقلانی خواهد بود.

بسیاری از راه‌حل‌های درونی مانند ملی‌گرایی، پان‌عربیسم، سوسیالیسم عربی و... منجر به دل‌سردی و ناراضی‌تبی شده‌اند. در ضمن جهان اسلام نه تنها از فرهنگ معاصر جهانی عقب افتاده است، بلکه هر روز در اقتصاد جهانی شده، بیشتر به حاشیه رانده می‌شود و به‌این‌ترتیب موقعیتی ناراحت‌کننده برای هر دو طرف ایجاد می‌کند.

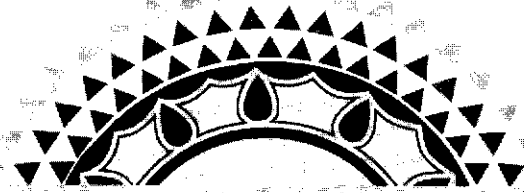
در بین مسلمانان درباره راه برون‌رفت از بحران کنونی، ریشه‌ها و علل آن و اینکه جوامع آنها در آینده باید چگونه باشند اتفاق نظر وجود ندارد. در نظر دنیای غرب پرسش این است که باید از کدام ایدئولوژی‌ها حمایت کند، از چه روش‌هایی بهره گیرد و در نهایت پیگیر چه اهداف روشن و واقع‌بینانه‌ای باشد؟

طیف ایدئولوژیک

در جهان اسلام اساساً چهار جایگاه ایدئولوژیک وجود دارد که عبارتند از: بنیادگرایی، سنت‌گرایی، تجددگرایی و عرفی‌گرایی (سکولاریسم). هریک از این گروه‌ها دارای زیرگروه‌هایی هستند که گاهی تمایز بین گروه‌های اصلی را مبهم می‌کنند. رهبران دنیای غرب باید به تفاوت‌های درون و بین این گروه‌ها به‌دقت توجه کنند.

بنیادگرایان ارزش‌های مردم‌سالاری و فرهنگ معاصر غرب را کاملاً رد می‌کنند. این گروه خواهان یک دولت اقتدارگرا و زاهد برای پیاده‌کردن دیدگاه‌های افراطی خود درباره قوانین و اخلاقیات اسلامی هستند. آنها مایل به استفاده از نوآوری‌ها و فناوری‌های مدرن بوده و نیز ابایی از توسل به خشونت ندارند.

در بنیادگرایی دو شاخه وجود دارد: شاخه اول "بنیادگرایی وفادار به نص قرآن" است که در فقه و شریعت اسلامی ریشه دارد. وهابی‌ها در عربستان سعودی نمونه‌ای از این دست هستند. شاخه دیگر "بنیادگرایی رادیکال" است که کمتر به نص قرآن وفادار



هنگام بحث با بنیادگرایان شکست نخورند.

-افزایش حضور آشکار تجددگرایان در نهادهای متعلق به سنت‌گرایان.

-تشویق سنت‌گرایان معتقد به مکتب حنفی شریعت اسلامی به مخالفت با مکتب حنبلی و موردحمایت وهابیان.

-افزایش مقبولیت و تشویق به پذیرش تصوف به‌عنوان یک شکل سنتی عرفان اسلامی که معرف تفسیری آزاد و روشنفکرانه از اسلام است.

۳- مخالفت فعالانه با بنیادگرایی: ضربه‌زدن به نقاط آسیب‌پذیر اعتقادی و ایدئولوژیک آنها، پرده‌برداری و در معرض عموم قرار دادن موضوعاتی که گروه‌های ایده‌آلیست جوان و سنت‌گرایان زهدی‌شده درباره بنیادگرایان تحمل نمی‌کنند مانند فساد، سنگدلی، بی‌رحمی، جهل و نادانی آنها، کاربرد مغرضانه و توأم با اشتباه قوانین اسلام و درنهایت ناتوانی در رهبری و حکومت‌داری. جهان غرب باید از طریق شیوه‌های زیر با بنیادگرایان مبارزه کند:

-به چالش کشاندن تفسیر آنها از اسلام و آشکار کردن اشتباه‌های آنها.

-پرده‌برداری از روابط آنها با گروه‌های غیر قانونی و فعالیت‌های پنهانی آنها.

-عمومی کردن تبعات اقدامات خشونت‌بار آنها.

-نمایش ناتوانی آنها در زمینه توسعه کشورها و جوامع خود به شیوه‌ای مثبت.

-هدف‌گیری مخاطبان مهم یعنی جوانان، سنت‌گرایان زهد پیشه، اقلیت‌های مسلمان در غرب و زنان.

-آزاده چهره و تصویری شوش از افراطی‌ها و تروریست‌های خشونت‌طلب و جلوگیری از قهرمان شدن آنها در نظر مسلمانان.

-تشویق روزنامه‌نگاران به بررسی و پرده‌برداری از فساد، ریاکاری و رفتارهای غیر اخلاقی در محافل بنیادگرا و تروریست.

-ایجاد تفرقه بین بنیادگرایان.

۴- حمایت از عرفی‌گرایان به صورت موردی: غرب باید سکولارها را تشویق کند که بنیادگرایی را دشمن مشترک خود بدانند و نیز از اتحاد آنها با نیروهای ضدآمریکایی جلوگیری کند. جهان غرب همچنین باید از تفکر جدایی دین از حکومت حمایت کند و نشان دهد که چنین کاری نه تنها ایمان را تضعیف نمی‌کند، بلکه آن را تقویت می‌کند.

۵- توسعه برنامه‌ها و نهادهای فرهنگی عرفی: سازمان‌های غربی می‌توانند با ایجاد سازمان‌های عرفی مستقل برای شهروندان عادی در جهان اسلام، امکان آموزش و یادگیری فرآیندهای سیاسی و چگونگی بیان دیدگاه‌ها را فراهم کنند. هرگونه راهبردی از این نوع را باید با احتیاط و امکان مواجهه با مقاومت و مخالفت عمده پیگیری کرد. همسو بودن سیاستگذاران آمریکا با گروه‌های اسلامی مشخص، شاید بقای گروه‌های اصلی راه که خواهان حمایت از آنها هستیم، در معرض خطر قرار دهد.

شرکت‌هایی که مثلاً با سنت‌گرایان محافظه‌کار، در کوتاه مدت مناسب به‌نظر می‌رسند، در درازمدت تبعات نامطلوبی در پی خواهند داشت و برای پرهیز از این تبعات جهان غرب باید با اعتقاد کامل برپایه ارزش‌های بنیادین خود یعنی مردم‌سالاری، عدالت آزادی فردی و مسوولیت‌پذیری اجتماعی عمل کند.

منبع:

Benard, Cheryl
Five Pillars of Democracy: How the West Can Promote an Islamic Reformation, RAND Review, Spring 2004.

*خانم چریل بنارد از محققان و نویسندگان نشریه "RAND" است که تاکنون کتاب‌های زیادی درباره جهان اسلام منتشر کرده است.

این جایگاه‌های ایدئولوژیک را باید به‌صورت بخش‌هایی از یک طیف پیوسته نگریست و نه به‌صورت طبقه‌بندی‌های جداگانه. در واقع مرز مشخصی بین این گروه‌های مسلمان وجود ندارد. مثلاً سنت‌گرایان با بنیادگرایان برخی وجوه مشترک دارند یا می‌توان متجددترین سنت‌گرایان را تقریباً جزء تجددگرایان دانست. افراطی‌ترین تجددگرایان نیز تقریباً شبیه سکولارها هستند. با این حال، گروه‌های اصلی مذکور درباره موضوعات کنونی جهان اسلام از جمله آزادی سیاسی و فردی، آموزش، وضعیت زنان، حقوق جزایی، مشروعیت اصلاحات و تغییرات و درنهایت طرز تلقی درباره غرب دیدگاه‌های کاملاً متمایزی دارند.

دستور کاری برای اصلاحات

دنیای غرب هنگام مواجهه با کشمکش‌های ایدئولوژیک کنونی در جهان اسلام باید به ارزش‌های بنیادی غربی پایبند بوده و نیز متناسب با زمینه‌های اسلامی متفاوت، در کشورهای مختلف اقدامات انعطاف‌پذیری را انجام دهد. به این ترتیب دنیای غرب می‌تواند با حفظ تنوع لازم در برخورد با جوامع مختلف، اسلام مدنی و مردم‌سالارانه را توسعه دهد.

آنچه در زیر می‌آید کلیات یک راهبرد پیشنهادی برای اصلاحات در جهان اسلام است. این راهبرد برپایه "پنج ستون مردم‌سالاری" برای جهان اسلام استوار است. این ستون‌ها به نحوه برخورد دنیای غرب با چهار گروه اصلی مذکور و همچنین با شهروندان عادی کشورهای مسلمان مربوط می‌شود.

۱- اولویت حمایت از تجددگرایان: تبلیغ دیدگاه‌های آنها درباره اسلام از طریق مجوز کردن ایشان به تریبون‌های لازم برای بیان و انتشار نظراتشان. برخی صاحب‌نظران مایلند برای توسعه مردم‌سالاری در جهان اسلام نخست از سنت‌گرایان حمایت کنند، اما برخی مشکلات جدی استدلال آنها را تضعیف می‌کند.

تأیید بیش از حد سنت‌گرایان منجر به تضعیف اصلاحات درونی در جهان اسلام شده و علاوه بر این تجددگرایان را، که ارزش‌های آنها اساساً با ارزش‌های ما سازگار است، با مشکل مواجه می‌کند. در بین همه گروه‌های چهارگانه مذکور این تجددگرایان هستند که بیش از دیگران از تطبیق با ارزش‌ها و روح جامعه مدرن مردم‌سالار غرب استقبال می‌کنند. ما باید از طریق کمک به پیشرفت دیدگاه‌های آنها، دیدگاه‌های سنت‌گرایان را کمرنگ کنیم.

عرفی‌گرایان نیز از لحاظ ارزش‌ها و سیاست‌ها به غرب نزدیک هستند، اما برخی از آنها به دلیل تفکرات ضدآمریکایی و دیگر موضع‌گیری‌ها برای جهان غرب قابل قبول نیستند. همچنین سکولارها برای کسب مقبولیت و جلب‌نظر بخش‌های سنتی‌تر جوامع مسلمان با مشکل مواجه هستند.

به دلایل فوق، تجددگرایان بهترین شریکان برای غرب خواهند بود، اما متأسفانه در مقایسه با بنیادگرایان و سنت‌گرایان جایگاه آنها ضعیف‌تر بوده فاقد پشتیبانی قدرتمند منابع مالی لازم، زیر ساخت‌های اثربخش و تریبون عمومی هستند. بنابراین رهبران غرب باید از طریق ابزارهای مختلف از تجددگرایان حمایت کنند.

۲- حمایت کافی از سنت‌گرایان برای مقاومت در برابر بنیادگرایی: در بین سنت‌گرایان، غرب باید از آنهایی پشتیبانی کند که به‌طور نسبی همخوانی بهتری با جامعه مدنی مدرن دارند: یعنی سنت‌گرایان اصلاح‌طلب. غرب باید از سنت‌گرایان در مقابل بنیادگرایان به شیوه‌های زیر حمایت کند:

-عمومی کردن انتقادهای سنت‌گرایان از خشونت و افراطی‌گری بنیادگرایان.

-ایجاد شکاف بین سنت‌گرایان و بنیادگرایان.

-جلوگیری از اتحاد سنت‌گرایان و بنیادگرایان.

-آموزش بحث‌های کلامی به سنت‌گرایان. بنیادگرایان غالباً از لحاظ بحث‌های کلامی قوی‌تر هستند درحالی‌که سنت‌گرایان بیشتر به یک "اسلام فولکلور" عمل می‌کنند و با مباحث و موضوعات سیاسی آشنایی ندارند. در مناطقی مانند آسیای مرکزی شاید لازم باشد سنت‌گرایان آموزش‌هایی درباره اسلام سنتی ببینند تا